

اثربخشی تدریس به روش یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

سیده اعظم حسینی^۱

دکتر جعفر پویا منش^۲

دکتر علیرضا جعفری^۳

چکیده :

تحقیق حاضر به منظور بررسی اثربخشی تدریس به روش مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه اول ابتدایی، اجرا شد. روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون می‌باشد. جهت انجام پژوهش، از میان مدارس ابتدایی دخترانه منطقه ۳ شهر تهران، یک مدرسه با روش خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب گردید و ۳۷ دانش‌آموز پایه اول، آموزش‌ها را دریافت نمودند و ۳۷ دانش‌آموز دیگر با عدم دریافت آموزش‌ها، گروه کنترل بودند. ابزار مورد استفاده

۱ - کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، زنجان، ایران. نویسنده مسئول
mahsahosseini1980@yahoo.com

۲ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، زنجان، ایران.

۳ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، زنجان، ایران.

پرسشنامه مهارت اجتماعی متسون (فرم معلم) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس و t گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد آموزش به روش مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای اجتماعی مناسب و درک‌های جرأت‌ورزی‌های نامناسب، رفتارهای تکانشی، رفتارهای حسادت‌آمیز و رفتارهای گوناگون موثر است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت یکی از راه‌های ارتقای رشد اجتماعی دانش‌آموزان یادگیری مشارکتی است.

واژگان کلیدی: روش تدریس مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی، دانش‌آموزان دختر پایه اول

ابتدایی.

مقدمه

رشد شخصیت کودکان، شهروند خوب شدن، اجتناب از خشونت، یادگیری شیوه‌های مناسب برخورد با دیگران، برقراری ارتباط با سایر افراد و به‌طورکلی، داشتن مهارت در ارتباطات بین فردی برای زندگی در دنیای کنونی امری ضروری است. در این راستا، سازمان بهداشت جهانی و یونیسف سال‌هاست که رویکرد مهارت‌های زندگی ۱ را مطرح کرده‌اند. این مهارت‌ها در سه طبقه اصلی با عناوین مهارت‌های اجتماعی ۲، مهارت‌های شناختی ۳، مهارت‌های هیجانی - مقابله‌ای ۴، قرار می‌گیرند(لد، تروپ ۵، ۲۰۰۵).

باید پذیرفت که دیگر مانند سال‌های گذشته کودکان بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را خارج از مدرسه یاد نمی‌گیرند، قبل از آمدن تلویزیون و کامپیوتر کودکان ساعت‌ها بازی قایم باشک، لی، هفت سنگ، و ... مشغول می‌شدند. آن‌ها یادگرفته بودند که برای رسیدن نوبت خودشان صبر

-
1. life skills
 2. social skills
 3. cognitive skills
 4. emotional skills
 5. Ladd & Troop

کنند به نظر دیگران گوش کنند و از شرکت در تفریحات گروهی لذت ببرند ولی این روزها بسیاری از دانش‌آموزان ساعت‌ها وقت خود را صرف تماشای تلویزیون و یا بازی‌های کامپیوتری می‌کنند به خصوص در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو شاغلند و یا فرزند فقط با یکی از والدین خود زندگی می‌کند. این پرستارهای الکترونیکی کودکان در زمانی که کسی در منزل نیست آنان را مشغول نگه می‌دارند (الیس و والن ۱، ۱۳۸۲). بنابراین با توجه به واقعیات فوق به نظر می‌رسد که مدرسه از بهترین مکان‌ها و فرصت‌هاست که بچه‌ها می‌توانند در آن مهارت‌های اجتماعی را کسب نمایند و خود را برای زندگی کردن با دیگران و سایر ضروریات آن مهیا سازند. امروزه بسیاری از مسائل و مشکلات نوجوانان و بزرگسالان ناشی از فقدان رشد مهارت‌های اجتماعی آن‌هاست.

یکی از روش‌های مؤثر در آموزش مفاهیم گوناگون به کودکان استفاده از روش‌های فعال در تدریس است. در واقع روش تدریس، ابزاری است در اختیار معلم که با انتخاب دقیق و حساب‌شده آن، می‌تواند به ارائه مفاهیم مختلف تحصیلی، عاطفی، اجتماعی و ... بپردازد. صاحب‌نظران معتقدند اتخاذ رویکرد مشارکتی در جریان تدریس و حضور فعال دانش‌آموز در گروه‌های کلاسی، حلال بسیاری از مشکلات است. گاردنر و جولر ۲ (۲۰۰۰) اظهار می‌دارند در رویکرد مشارکتی دانش‌آموزان هم از یکدیگر و هم از معلم یاد می‌گیرند، ارتباط محکم‌تری بین دانش‌آموزان ایجاد شده و مهارت گوش دادن و تمرکز کردن روی مطالب تقویت می‌شود (کرامتی، ۱۳۸۴).

افزایش پیشرفت تحصیلی، رشد مهارت‌های اجتماعی، تقویت مهارت رهبری و روحیه همکاری، اصلاح برخوردهای اجتماعی و ایجاد رابطه مثبت در گروه و نگرش مثبت به مدرسه از جمله نتایج مثبت به یادگیری روش‌های مشارکتی می‌باشد (کرامتی، ۱۳۸۶).

اوگیوگلو ۳ (۲۰۰۷) در زمینه اثر بخشی یادگیری مشارکتی بر آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزانی با اختلال شنوایی در جلسات مشاهده دریافت که آموزش مهارت‌های اجتماعی با استفاده از این رویکرد، فرصت‌های بیشتری برای تعمیم در اختیار این دانش‌آموزان قرار می‌دهد.

تولمی ۴ و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خود تحت عنوان اثرات اجتماعی یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی که شامل نمونه‌ای به حجم ۵۷۵ دانش‌آموز ۹ تا ۱۲ ساله بود، پیشرفت‌های قابل توجهی را در روابط مشاهده کردند و دریافتند که روابط بهتر حاصل بهبود مهارت‌های گروهی بودند

1- Susan S.Ellis & Susan E.Whalen

2- Gardner & Jweler

3.Avgioglue

4.Tolme

که اضطراب ایجاد شده در تعاملات را متعادل نموده و این امر به نوبه خود منجر به غنی شدن روابط می‌گردد.

فریدنبرگ و آندون ۱ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان "یادگیری برای مهارتهای قرن ۲۱" اظهار می‌دارند که روشهای آموزشی باید با نیازهای جامعه امروز منطبق باشد و آموزش مهارتهای اساسی زندگی جمعی می‌بایست در خلال جریان آموزش برنامه درسی محقق شود.

ریبرا و همکاران ۲ (۲۰۱۲) در تحقیقات خود به بررسی اثرگذاری آموزش به روش مشارکتی بر افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرداختند و مشاهده نمودند که استفاده از روشهای یادگیری مشارکتی، موجب افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بهبود بروندهای نظام آموزشی میشود. ضمن اینکه استفاده از روشهای مشارکتی در تدریس برحسب جنسیت معلم، اندازه کلاس و زمان صرف شده برای تدریس درمیان معلمان مختلف، متفاوت است.

انیل ۳ (۲۰۱۲) در ارائه نتایج تحقیقات خود تشریح مینماید که استفاده از روشهای مشارکتی در جریان تدریس، موجب افزایش انگیزش تحصیلی، مشارکت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و نگرش مثبت به جریان یادگیری می‌شود.

وجه متمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌ها، بهره‌گیری از مفاهیم دروس اصلی دانش‌آموزان و تلفیق آن با موضوعات اجتماعی از قبیل برقراری رابطه، نگه داشتن دوستی‌ها، رسیدن به راه حل موضوعات، درک احساسات خود و دیگران، پذیرش دیگران و ... می‌باشد. با وجود پژوهش‌های انجام شده که اغلب برتری تأثیر روش‌های یادگیری مشارکتی را بر عملکرد تحصیلی و اثرات مطلوب و موثر آموزش به شیوه مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را بررسی کرده‌اند و با توجه به این که در اغلب مدارس ایران آموزش به شیوه سنتی انجام می‌گیرد، این تحقیق برآن است که به این سوال پاسخ دهد که آیا تدریس به شیوه یادگیری مشارکتی را بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دخترپایه اول ابتدایی موثر است؟

روش

روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی و از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود.

1. Frydenberg, M. E., Andone, D.

2. Ribera, T., Ribera, Allison BrckaLorenz, A. K. ., & Nelson Laird, T.

3. O'Neill, N

جدول ۱: دیاگرام طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل

T ₁	X	T' ₁	گروه آزمایش
T ₂	-	T' ₂	گروه کنترل

جامعه آمار پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر پایه اول ابتدایی مدارس دولتی منطقه ۳ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بود. نمونه شامل ۷۴ دانش‌آموزان بودند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای بود. بدین صورت که از بین مدارس ابتدایی دو مدرسه بصورت تصادفی انتخاب از میان دانش‌آموزان مدرسه اول، ۳۷ نفر به عنوان گروه آزمایش و مدرسه دوم، ۳۷ نفر گروه کنترل انتخاب شدند.

ابزار پژوهش عبارت از مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی (فرم معلم) متسون و همکاران (۱۹۸۳) برای سنجش مهارت‌های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ ساله تدوین شده است با توجه به سطح سنی نمونه مورد مطالعه، در این تحقیق از فرم مربوط به معلم استفاده خواهد شد که دارای مقیاس درجه بندی لیکرت می‌باشد که از خیلی کم (یک) تا خیلی زیاد (پنج)، تقسیم بندی شده است. فرم گزارش‌دهی توسط معلم، شامل ۶۴ سؤال می‌باشد که دارای دو مقیاس فرعی مهارت‌های اجتماعی مناسب و رفتارهای نامناسب (رفتارهای تکانشی، جرأت‌ورزی نامناسب، رفتارهای حسادت آمیز و رفتارهای گوناگون) می‌باشد. دامنه نمرات این مقیاس بین دو عدد ۶۴ و ۳۲۰ می‌باشد. عدد بالاتر در این مقیاس به معنای مهارت اجتماعی بالاتر است. (متسون و اولندیک، ۱۳۸۴).

این فرم شامل ۵ مؤلفه رفتارهای اجتماعی مناسب، رفتارهای تکانشی، جرأت‌ورزی نامناسب، رفتارهای حسادت آمیز و رفتارهای گوناگون می‌باشد. اعتبار میان سؤال‌ها در فرم گزارش توسط معلم ۹۳٪ و در فرم خود گزارش دهی ۸۰٪ بدست آمد. همچنین با روش دو نیمه کردن، اعتبار بالایی حاصل شده است (متسون، اولندیک، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر، میزان آلفای کرانباخ به دست آمده در فرم گزارش‌دهی توسط معلم برابر ۰/۹۱ است و مقادیر آلفا در هر یک از مؤلفه‌ها به شرح زیر است:

رفتارهای اجتماعی مناسب ۰/۸۸، رفتارهای تکانشی ۰/۸۵، جرأت‌ورزی نامناسب ۰/۹۳، رفتارهای حسادت آمیز ۰/۸۹ و رفتارهای گوناگون برابر ۰/۹۰ است.

جهت اجرای پژوهش، پس از جلب رضایت از معلمان برای اجرای طرح آزمایشی و تعیین گروه آزمایش و کنترل، ابتدا آزمون مهارت‌های اجتماعی به اجرا در آمد. یک هفته پس از اجرای پیش

آزمون، چند جلسه توجیهی، آموزشی برای معلم گروه آموزشی جهت آشنایی با روش یادگیری مشارکتی برگزار شد. در مرحله بعد، معلم دانش آموزان را با روش مشارکتی و فواید آن آشنا نمود و آموزش به شیوه مشارکتی را آغاز کرد. با توجه به پایه تحصیلی، معلم گروه های دوفره تشکیل داد. این آموزش به مدت ۸ هفته یعنی ۲۴ جلسه ۴۵ دقیقه ای طول کشید در تمام این مدت سعی و تلاش معلم بر آن بوده است که اصول ضرورت ها و مشخصه ها و ویژگی های یادگیری مشارکتی در گروه ها به اجرا درآید. مشارکت و نظارت محقق در طول این ۸ هفته انجام گرفت، وظایف اساسی معلم در این فرایند، تهیه طرح درس برای هر جلسه، راهنمایی و هدایت گروه ها، تدارک امکانات لازم تا حد امکان، ارزیابی و نظارت بر کار گروه ها، بخصوص ارزیابی مهارت های اجتماعی و ارائه بازخورد های لازم بود.

انگیزه و اشتیاق معلم و همکاری خوب او و سایر اولیای مدرسه همواره باعث اطمینان خاطر محقق در اجرای مطلوب رویکرد یادگیری مشارکتی بود. پس از اتمام این ۸ هفته مجدداً از هر گروه آزمایش و کنترل، آزمون مهارت های اجتماعی به عمل آمد.

مراحل اجرای روش تدریس یادگیری مشارکتی

مرحله اول: بیان هدف

در مرحله اول تلاش می کنیم هدف درس را به روشنی و در نهایت سادگی به دانش آموزان بیان کنیم.

مرحله دوم: شرح فعالیت

در مرحله دوم، فعالیت مورد نظر برای آموزش مفاهیم را شرح می دهیم. لازم است در شرح فعالیت، روش اجرا و دستورالعمل مورد نیاز و نحوه انتخاب افراد و وسایل لازم و مناسب برای کمک به غنی سازی فعالیت مشخص شود.

مرحله سوم: اجرای فعالیت

مرحله سوم، عملی ترین بخش اجرای روش تدریس مبتنی بر یادگیری مشارکتی است. در این مرحله همه دانش آموزان نقش فعالی در یادگیری دارند و معلم هم نقش راهنمای فعالیت ها را عمل می کند، همچنین انواع وسایل کمک آموزشی فراهم شده هم در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد. یافته ها

از آنجا که روش این پژوهش نیمه آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد، لذا بهترین روش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل کوواریانس می‌باشد. در ابتدا به منظور بررسی پیش‌فرضهای تحلیل کوواریانس به بررسی همگنی شیبهای رگرسیون پرداخته شد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، شیبهای خطوط رگرسیون موازی نیستند و پیش‌فرض همگنی شیبهای رگرسیون مورد تأیید نمی‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که اثر تعاملی گروه (آزمایش و کنترل) و آزمون (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) بر متغیر وابسته (مهارت اجتماعی) معنادار است و این امر منجر به قطع بردارهای مربوط به شیب رگرسیون متغیر وابسته در دو متغیر مستقل (گروه) و متغیر تصادفی کمکی (پیش‌آزمون) شده است و بدین ترتیب استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مجاز نمی‌باشد. بنابراین، بررسی معناداری تفاوت میانگین‌های دو گروه با استفاده از مقایسه تفاضل نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل و با استفاده از آزمون t گروههای مستقل صورت خواهد گرفت.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه طبق نتایج همبستگی پیرسون میزان همبستگی بالا گزارش شده و حجم نمونه نیز اندک است، مجاز به استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره نمی‌باشیم. جدول ۲ همبستگی متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۲- ماتریس همبستگی متغیرهای وابسته (رفتارهای اجتماعی مناسب و ...)

متغیرها	رفتارهای اجتماعی مناسب	جرات ورزی های نامناسب	رفتارهای تکانشی	رفتارهای حسادت آمیز
رفتارهای اجتماعی مناسب	۱	-	-	-
جرات ورزی های نامناسب	۰/۶۶**	۱	-	-
رفتارهای تکانشی	۰/۶۵**	۰/۹۰**	۱	-
رفتارهای حسادت آمیز	۰/۴۳**	۰/۷۰**	۰/۶۹**	۱

$$P \leq 0.01 \text{***معناداری در سطح } 0.01$$

طبق ارقام مندرج در جدول ۳ میانگین تفاضل میانگین‌ها در گروه آزمایش برابر ۵۱/۷۲ است و در گروه کنترل برابر ۲۳/۱۰ می‌باشد. مقدار t به دست آمده برابر ۵/۰۸ است که در سطح $P \leq 0.01$ معنادار می‌باشد و با توجه به افزایش نمره در پس‌آزمون برای گروه آزمایش و بالاتر بودن اختلاف میانگین‌ها در این گروه می‌توان گفت استفاده از روشهای مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معنادار داشته است و فرضیه مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۳- مقایسه اختلاف میانگین های دوگروه بر حسب نمره مهارت اجتماعی

گروهها	آزمونها	میانگین	تفاضل میانگین ها	آزمون لوین	Sig	Tآزمون	sig
آزمایش	پیش آزمون	۱۹۸/۰۸	۵۱/۷۲	۰/۸۵	۰/۳۸	۵/۰۸	۰/۰۱
	پس آزمون	۲۴۹/۸۱					
کنترل	پیش آزمون	۲۰۶/۲۲	۲۳/۲۰				
	پس آزمون	۲۲۹/۳۲					

طبق ارقام مندرج در جدول ۴: میانگین تفاضل میانگین ها و نتایج آزمون T در مولفه های مهارت اجتماعی نشان می دهد آموزش به شیوه مشارکتی موجب افزایش رفتارهای مناسب اجتماعی و رفتارهای گوناگون می شود ($p \leq ۰/۰۱$). و آموزش به شیوه مشارکتی موجب کاهش جرات ورزی نامناسب رفتارهای حسادت آمیز در سطح ($p \leq ۰/۰۱$) و رفتارهای تکانشی در سطح ($p \leq ۰/۰۵$) می شود.

جدول ۴- مقایسه اختلاف میانگین‌های دوگروه در مولفه‌های مهارت اجتماعی

مولفه‌ها	گروه‌ها	آزمون‌ها	میانگین	تفاضل میانگین‌ها	آزمون لوین	Sig	آزمون T	sig
رفتارهای اجتماعی مناسب	آزمایش	پیش آزمون	۵۶/۳۳	-۱۰/۷۸	۱/۸۵	۰/۲۱	۳/۶۹	۰/۰۱
		پس آزمون	۶۷/۲۰					
	کنترل	پیش آزمون	۵۶/۹۷	-۱/۰۷				
		پس آزمون	۵۸					
جرات‌ورزی نامناسب	آزمایش	پیش آزمون	۳۲/۴۱	۸/۶۶	۰/۷۴	۰/۴۱	۳/۰۱	۰/۰۱
		پس آزمون	۲۳/۷۵					
	کنترل	پیش آزمون	۳۱/۷۹	۱/۸۲				
		پس آزمون	۲۹/۹۷					
رفتارهای تکانشی	آزمایش	پیش آزمون	۲۹/۵۵	۱۲/۹۳	۰/۳۲	۰/۵۹	۲/۵۹	۰/۰۳
		پس آزمون	۱۶/۶۲					
	کنترل	پیش آزمون	۲۲/۶۳	۲/۴۳				
		پس آزمون	۲۰/۲۰					
رفتارهای حسادت آمیز	آزمایش	پیش آزمون	۱۲/۰۹	۵/۵۹	۰/۱۳	۰/۸۹	۲/۷۲	۰/۰۱
		پس آزمون	۶/۵۷					
	کنترل	پیش آزمون	۱۰/۴۷	۱/۸۷				
		پس آزمون	۸/۶۰					
رفتارهای گوناگون	آزمایش	پیش آزمون	۱۹/۲۳	-۱۱/۷۸	۱/۰۳	۰/۳۲	۲/۹۸	۰/۰۱
		پس آزمون	۳۱/۰۱					
	کنترل	پیش آزمون	۲۰/۹۳	-۲/۶۶				
		پس آزمون	۲۳/۵۹					

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان می دهد آموزش به شیوه مشارکتی، سطح مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان دختر پایه اول ابتدایی منطقه ۳ آموزش و پرورش شهر تهران را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر با یافته های پژوهش های گذشته نظیر کرامتی (۱۳۸۰)، کرامتی (۱۳۸۱)، قلتاش (۱۳۸۳)، علی‌زاده (۱۳۸۸)، افضلی (۱۳۸۹)، ونمان و همکاران (۲۰۰۰)، هیل (۲۰۰۰)، اوگیوگلو (۲۰۰۷)، تولمی و همکاران (۲۰۰۹) و انیل (۲۰۱۲) همسویی دارد.

در تبیین این نتیجه می توان گفت؛ یادگیری مشارکتی فرصتی است برای رشد مهارت‌های اجتماعی که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا با گروه وسیعی از افراد کلاس یا در خارج کلاس، به راحتی کار یا مطالعه کنند. مهارت‌های گروهی پایه مانند گوش کردن به حرف دیگران، آرام صحبت کردن، همراه گروه ماندن تا زمانی که کار تمام می‌شود و مهارت‌هایی مانند رعایت نوبت دیگران، بیان نظرات، تشویق دیگران به مشارکت، کمک خواستن به هنگام نیاز و ... از جمله مهارت‌های اجتماعی است که در گروه شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر گروه فرصت ابراز شخصیت را برای فرد فراهم می‌سازد و جایی است که فرد در آن گذشت، تحمل، فداکاری، اطاعت، همکاری و شجاعت و ... را می‌آموزد و به تناسب ذوق و استعداد خود، مسئولیت قبول می‌کند.

ویژگی‌های منحصر به فرد این روش یعنی داشتن اهداف گروهی، احساس مسئولیت فردی، پاداش گروهی، و ایجاد فرصت‌های مساوی برای موفقیت، موجب می‌شود فراگیران به اندازه‌ای در مقابل پیشرفت یکدیگر احساس مسئولیت کنند که گویی برای پیشرفت خود تلاش می‌کنند (بارکلی و همکاران، ۲۰۰۵).

گرشام (۲۰۰۲) در بیان مراحل کسب مهارت‌های اجتماعی به الگودهی، آماده سازی و تمرین رفتاری اشاره می نماید. استفاده از رویکرد مشارکتی در تدریس می تواند در هر سه گام ، نقش مؤثری داشته باشد. ارائه الگوی رفتاری مناسب و تمرین رفتاری جز در خلال تمرین های عملی که دانش آموزان فعالانه در آن به ایفای نقش می پردازند، میسر نیست. درگیر شدن دانش آموزان در فعالیتهای کلاس منجر به درک جامع و عمیق ابعاد یک رفتار شده و امکان تمرین و تکرار آن را در محیط واقعی فراهم می سازد. هدف نهایی تمرین رفتاری که در قالب گروههای مشارکتی روی می دهد این است که کودکان نه تنها توانایی انجام دادن یک مهارت را داشته باشند، بلکه بتوانند آن چه را که کسب کرده‌اند در زندگی واقعی به کار ببرند. در غیر اینصورت چگونه می توان به کودکان قوانین زندگی جمعی، رعایت آن قوانین، ارائه وظایف و نقشهای گروهی، همکاری گروهی، همدلی و

... را آموزش داد، در حالیکه هیچ فرصتی جهت فعالیت در گروه و تشکیل، حفظ و توسعه گروه به آنها داده نشود.

بروز رفتارهای حسادت آمیز به دلیل عدم پذیرش خود، ناآگاهی نسبت به توانمندیهای خود و توجه افراطی به توانایی دیگران، رخ می دهد. چنانچه اطرافیان کودک و به ویژه افراد مهم در زندگی کودک، جهت شناسایی توانمندیهای او اقدام کرده و در جریان فعالیتهای کودک، به این توانمندیها اشاره کنند و موفقیت‌های او را متذکر شوند، به مرور می توانند مانعی جهت ایجاد رفتارهای حسادت آمیز فراهم سازند. کودکی که در گروه دوستی خود فرد مهمی است، بخشی از وظایف در گروه خود را بر عهده دارد و در جریان نیل به اهداف گروهی مهم قلمداد می شود، قطعاً پذیرش بیشتری نسبت به خود داشته و از توانمندیهای دیگران با هدف رشد خود و گروه بهره می برد.

آنچه در جریان یادگیری در مدرسه باید محقق شود، کنترل بر هیجانات است. مباحث هوش هیجانی واجتماعی، شناخت احساسات و کنترل آن، تکنیکهای کنترل خشم، پرخاشگری و... همگی به منظور رشد خودآگاهی در حوزه هیجانات و مدیریت مطلوب آنها مطرح شده است. بروز رفتارهای تکانشی و عدم مدیریت صحیح آنها می تواند به فرد و اطرافیان وی آسیب رساند. کارتلج و میلبرن (۱۳۸۶) در معرفی مؤلفه های مهارتهای اجتماعی به مهارت‌های مربوط به احساس، مهارت‌های جایگزین برای پرخاشگری و مهارت‌های مربوط به مواجهه با فشار و برنامه‌ریزی برای آنها اشاره می کنند و رشد این مهارتها را در سالهای ابتدایی زندگی و بالخصوص در جریان فعالیتهای گروهی مورد توجه قرار می دهند. به همین جهت، توجه به این ویژگیها و تلاش در جهت رشد و توسعه آنها برعهده خانواده ها و مدارس می باشد. مسلم است که فعالیت در گروهها به منظور یادگیری همه جانبه و رشد ابعاد مختلف وجودی دانش آموزان، با هدایتگری معلم، می تواند مسیر نیل به این اهداف را هموار سازد.

والدین هر جامعه ای همواره در تلاش هستند تا کودکان خود را طوری تربیت نمایند که در جهت احقاق حق خود، بتوانند فعالانه عمل کرده و بدون آسیب زدن به دیگران، از حقوق خود دفاع نمایند. در واقع، این ویژگی با عنوان جرأت ورزی در کودکان شناخته شده است. جرأت ورزی، یعنی دفاع از حقوق خود و بیان افکار و احساسات خویش که به شیوه مستقیم، صادقانه و مناسب انجام شود. افراد جرأت‌ورز برای خود و دیگران احترام قائل هستند. آنان منفعل نیستند و ضمن این که به خواسته ها و نیازهای دیگران احترام می‌گذارند، اجازه نمی دهند دیگران از آنها سوء استفاده کنند و به شیوه قاهرانه با آنان ارتباط برقرار کنند (باستانی، ۱۳۸۶).

اما آنچه در عمل اتفاق می افتد، رشد معیوب این ویژگی در برخی کودکان است. خودمحوری کودک، بی توجهی به نیازها و احساسات دیگران، ورود به حریم دیگران و متوسل شدن به راههای پرخاشگرانه جهت احقاق حقوق خود، موجب شکل گیری جرأت و رزیهای نامناسب در آنها می شود. کودکان با دانش لازم جهت برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، زاییده نشده اند و توجه به خواسته های دیگران در عین توجه به خواسته های خود، از مضامین ظریف اجتماعی است که می بایست در طی سالهای ابتدایی رشد و در حین شرایط واقعی زندگی که سرشار از تعاملات اجتماعی است، توسعه یابد.

افزایش پیشرفت تحصیلی، رشد مهارت های اجتماعی، تقویت مهارت رهبری و روحیه همکاری، اصلاح برخوردهای اجتماعی و ایجاد رابطه مثبت در گروه و نگرش مثبت به مدرسه از جمله نتایج مثبت به یادگیری روش های مشارکتی می باشد (کرامتی، ۱۳۸۶).

تدریس به شیوه مشارکتی، فرصتی مغتنم جهت رشد این ویژگی با ایجاد درکی عمیق در کودکان برای معلمان و نظام آموزشی فراهم ساخته است. در جریان همکاری گروهی، کودک بر نیازها، احساسات و حقوق خود واقف شده و در جریان تعامل با دیگران، متوجه می شود که احقاق حقوق خود، بدون توجه به حقوق دیگران منجر به گسیختگی در گروه و از دست دادن انسجام گروهی شده و کل افراد گروه را تحت تأثیر قرار می دهد.

پژوهش حاضر بر روی دانش آموزان دبستان در مقطع اول ابتدایی انجام شده است و در تعمیم به سایر دوره های سنی و مقاطع تحصیلی دارای محدودیت است.

منابع

- افضل‌لی، لایلا (۱۳۸۹). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رفتار اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان اول ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- آلیس، سوزان؛ والن، سوزان (۱۳۸۲). آشنایی با یادگیری از طریق همیاری. ترجمه‌ی طاهره رستگار و مجید ملکان، تهران: نشر نی.
- باستانی، قادر، اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، نشر ققنوس، تهران: ۱۳۸۶.
- قلناش، عباس (۱۳۸۳). بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی شهر کره‌ای در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- کارتلج: جی، اف. میلبرن (۱۳۸۶). آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمدحسین نظری نژاد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۱). مطالعه تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر مشهد در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱. پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تربیت معلم.
- کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۲). نگاهی نو و متفاوت به یادگیری مشارکتی، مشهد: انتشارات آیین تربیت.
- کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۴). یادگیری مشارکتی (یادگیری از طریق همیاری). تهران: نشر فرا انگیزش
- کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۶). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. ۳۷ (۲)، ۳۹-۵۵.
- کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۰). رقابت یا رفاقت در کلاس درس. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران: ۱۵۵-۱۳۹.

- Barkley, E.F., Cross, K.P., & Major, C.H. (2005). *Collabrative learning techniques: A Handbook for college faculty*. New York; Jossye-Bass.
- Gresham, F.M., (2002). Best practives in social skills training. In A. Thomas & J. Grimes (Eds). *Best practices in school psychology* (pp. 1029-1040).Bethesda,MD: National Association of school psychologists.
- Hill, K.A. (2000). Cooperative learning as a mean of improving social skills Among Middle Grade student. [http://www.usoe.k12.ut.us/oals2000/kathy-hill-cooperative learning.htm](http://www.usoe.k12.ut.us/oals2000/kathy-hill-cooperative-learning.htm).
- Ladd, G.W., & Troop-Gorden, W. (2005). The role of chonec peer difficulties in the development of children's psychological adjustment problems. *Child Development*. 74 , 1344-1376.
- O'Neill, N. (2012). Promising practices for personal and social responsibility: Findings from aNational Research Collaborative. Washington, DC: Association of American Colleges and Universities.
- Ribera, T., Ribera, allison brckalorenz,a.k. ., & Nelson laird,t. (2012). Faculty fostering collaborative learning and personal and social responsibility, Ph.D thesis of Indiana University (Faculty Survey of Student Engagement).
- Tolmie A.K., Tooping. , K.J, Christice. , D, Donaldson, Howe, C., Jessiman.,E. Livingston, K., & Tharston, A. (2009). Social effects of cooperative learning in primary schools. *Learning and Strution XXI*-15.

